

باگذشت چندین سال از توقف فعالیت؛ کارگران هنوز منتظر بازگشایی کارخانه قند مسمنی هستند

باگذشت چندین سال از توقف فعالیت کارخانه «قندمسمنی رستم» در استان فارس، هنوز کارگران بیکار شده این کارخانه منتظر بازگشایی آن هستند. یکی از این کارگران به ایلنا گفت: این واحد تولیدی بعد از گذشت حدود ۱۰ سال تعطیلی (مرداد ماه ۱۴۰۲) در حالی با واگذاری به هیات حمایت از تولید با ۹۰ کارگر فعالیت خود را از سر گرفت که بعد از گذشت چندین ماه به دلیل تخصیص نیافتن اعتبارات مالی بسرای خرید مواد اولیه، مجدداً تعطیل و کارگران آن بیکار شدند. وی با بیان اینکه یکبار بابیز ۱۴۰۰ همزمان با سفر رئیس جمهور وقت به استان فارس، وعده پیگیری و اشتغال دائم کارگران داده شد، گفت: باوجود آنکه آن زمان اعضای ستاد تسهیل موانع تولید، چندین جلسه برای رفع مشکلات این کارخانه و بازگشایی آن برگزار کردند و این کارخانه به هیات حمایت از تولید برای امانداری واگذار شد اما چون حمایت مالی صورت نگرفت مجدداً تولید متوقف و کارگران بلا تکلیف و بیکار شدند. به گفته وی، واحد تولیدی «قندمسمنی» سال هاست دچار فراز و نشیب و چالش های کارگری بوده و به گواهی آنچه شاهد بودیم مشکل اصلی آن به مشکلات اقتصادی و مالی مربوط می شود. امیدواریم دولت در زمینه تامین منابع مالی به این کارخانه که نیاز به حمایت دارد، کمک کند. طبق این گزارش، این واحد صنعتی جواز طلب کارگران، بدهی های زیادی به چند نهاد دولتی و خصوصی دارد که این بدهی ها از عوامل اصلی تعطیلی چندین ساله کارخانه و بیکاری کارگران بوده است.

تجمع بازنشتگان کارگری در شوش و رشت



روز گذشته (۱۷ خرداد ماه)، جمعی از بازنشتگان کارگری شهرستان شوش و رشت با تجمع مقابل ادارات تامین اجتماعی، به مستمری ناچیز و عدم رفع مشکلات درمان خود اعتراض کردند. به گزارش ایلنا، بازنشتگان خواهان اجرای ضرب افزایش متناسب سالیانه ماندن دو سال گذشته، افزایش مزایا، بازگشت مزایای بازماندگان و لحاظ شدن قانون در احکام سال ۱۴۰۵ شدند. بازنشتگان شوش می گفتند: خواهان استقلال سازمان تامین اجتماعی در قالب سه جانبه گرای و خروج مدیران دولتی از مدیریت آن و شرکت های شستا و پرداخت بدهی دولت به سازمان هستیم.

اعلام جزئیات متناسب سازی و مزایای مزدی احکام جدید بازنشتگان صادر شد
احکام افزایش سالیانه و متناسب سازی ۱۴۰۵ حدود ۵ میلیون نفر و ۲۰ هزار بازنشته و مستمری بگیر تامین اجتماعی صادر شد و در دسترس قرار گرفت. به گزارش روابط عمومی سازمان تامین اجتماعی: سازمان تامین اجتماعی در سال ۱۴۰۵، در راستای اجرای تکالیف قانونی خود، نسبت به اعمال افزایش مستمری ها (حقوق ماهانه) بر اساس قوانین و مقررات بالادستی، مصوبات شورای عالی کار، و توافق با کنون عالی بازنشتگان و ظرفیت های سازمان اقدام نموده است.

بر این اساس، میزان افزایش مستمری مستمری بگیران حداقل یک و سابر سطوح مزمن ۶ و مطابق مواد ۱۱۱ و ۱۱۲ قانون تامین اجتماعی و همچنین مصوبه مورخ ۲۴ اسفند ۱۴۰۴ شورای عالی کار به شرح زیر تعیین شده است:

الف) مستمری حداقل بگیران ۶ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافته و مبلغ آن در سال جاری ۱۶۶،۲۵۵،۵۰۰ ریال می باشد. (ب) مستمری در یافتی سایر سطوح نسبت به سال قبل به میزان ۴۵ درصد افزایش یافته و علاوه بر مبلغ ثابت ۱۵،۵۸۶،۴۷۰ ریال نیز به مستمری آنان افزوده شده است.



لازم به ذکر است، سایر صندوق های بازنشتگی به موجب حکم مقرر در ضوابط مربوط به قانون بودجه ۱۴۰۵ (مصوبه شماره ۵۴۹۲ هـ. ق. مورخ ۱۳/۱۲/۱۴۰۵ هیات محترم وزیران) برای حداقل بگیران حدود ۴۳ درصد و برای سایر سطوح حدود ۲۵ درصد افزایش سالیانه اعمال نموده اند.

در حالی که حقوق (مستمری) بازنشتگان تامین اجتماعی برای حداقل بگیران ۶۰ درصد و با لحاظ مستمری بگیران سایر سطوح، به طور میانگین ۵۰ درصد افزایش یافته است که در نتیجه به طور متوسط افزایش مستمری بازنشتگان سازمان تامین اجتماعی، نسبت به سایر صندوق ها حدود ۲۵ درصد بیشتر است. با اجرای آخرین مرحله در سال ۱۴۰۵ طبق جزء (۲) بند (ر) ماده ۲۸ قانون برنامه هفتم پیشرفت مصوب مجلس شورای اسلامی، سازمان تامین اجتماعی می بایست متناسب سازی حقوق مستمری بگیران تحت پوشش را با روش مشخص ظرف سه سال انجام دهد؛ این سازمان نیز دو مرحله متناسب سازی را در سال های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ برای بازنشتگان و مستمری بگیران مشمول، اجرایی کرده است. در اجرای این بند قانونی، متناسب سازی حقوق مستمری بگیران نیز حداقل بگیر، به منظور تحقق هدف نهایی قانونگذار مبنی بر رسیدن به ۹۰ درصد نسبت مستمری ز زمان برقراری طی مرحله اول سال ۱۴۰۳ (۴۰ درصد)، در مرحله دوم سال ۱۴۰۴ (۳۰ درصد) و در سال ۱۴۰۵ در سومین گام (۲۰ درصد باقیمانده)، تکمیل و اجرا گردید. با یادآوری این نکته که متناسب سازی به معنای پرداخت مبلغ یکسان به کلیه افراد نیست، متناسب سازی به گونه ای محاسبه و اجرا شده که مستمری سال جاری فرد با لحاظ متناسب سازی، از ۹۰ درصد نسبت مستمری زمان برقراری فرد به حداقل دستمزد سال برقراری کمتر نباشد. به این ترتیب، مبلغ متناسب سازی به مستمری ماهانه مسئولان اضافه شده و از کاهش سطح برخورداری این گروه در مقایسه با میزان دریافتی در زمان برقراری مستمری، جلوگیری می شود. این فرمول دقیقاً عین حکم قانون گذار (جزء ۲) بند (ر) ماده ۲۸ قانون برنامه هفتم پیشرفت) می باشد و فرمول های دیگری نظیر جبران ضرب یافت و... بر خلاف حکم قانون گذار می باشد و اعمال آنها فراتر از حکم قانونی است.

باگذشت یک ماه از دستور صریح رئیس جمهور مبنی بر لزوم حذف شرکت های پیمانکاری و واسطه، نه تنها اقدام عملی و ملموسی برای احقاق حقوق کارگران صورت نگرفته، بلکه بلافاصله بهانه های قانونی و دالان های پیچیده بوروکراتیک به عنوان موانع اصلی پیش کشیده شده اند. به گزارش ایلنا، نمونه عینی این رویکرد بازدارنده در مواضع اخیر رئیس سازمان اداری و استخدامی کشور نمایان است؛ جایی که وی با تشریح وضعیت «طرح ساماندهی کارکنان دولت»، گره اصلی کار را به سدهای حقوقی و اداری پیوند زده و صراحتاً اعلام کرده که ظرفیت مساده ۳۲ قانون مدیریت راروی ۱۰ درصد محدود کرده است. از نگاه این ساختار اداری، تا زمانی که مجلس برای عبور از این سقف قانونی چاره ای نیندیشد و «بار مالی» لایحه تأمین نشود، گام اجرایی موثری برای تعیین تکلیف کارگران شرکتی نداشته خواهد شد اما این صورت بندی از مسأله، فراتر از یک اظهار نظر کارشناسی ساده است و این رویکرد ریشه در منطقی دارد که سال هاست حفظ منافع پیمانکاران را به قیمت استثمار مضاعف نیروی کار تضمین می کند.

سفره خالی کارگر و جیب پر پول واسطه ها
سیستم بودجه ریزی فعلی، غالباً هزینه های مرتبط با امنیت شغلی کارگران را به عنوان یک «بار مالی اضافی» به افکار عمومی میپاژی می کند. با این حال، واقعیت اقتصادی نشان می دهد که بودجه پرداختی دولت برای نیروهای شرکتی همین حالا هم در حال پرداخت است با این تفاوت که این مبلغ شامل دستمزد کارگر به علاوه سود کلانی است که تحت عنوان هزینه های بالاسری به حساب مدیران شرکت های پیمانکاری دراز می شود. این شرکت های واسطه عموماً فاقد ابزار تولید بوده و هیچ گونه ارزش افزوده ای ایجاد نمی کنند. حذف این واسطه ها نه تنها بار مالی جدیدی برای دولت ندارد، بلکه با برچیدن رانت واسطه گری، منابع مالی را مستقیماً به سمت ذینفعان واقعی، یعنی کارگران هدایت خواهد کرد. تقلیل دادن این جابه جایی عادلانه به یک «سود بچه ای» نشان از تداوم نگاهی دارد که منافع دلالان را بر حقوق کارگران ارجح می داند.

توجه بی ثباتی شغلی تحت سیر قوانین
استناد مکرر نهادهای اجرایی به سقف های قانونی مانند ماده ۳۲، در عمل تنها به حفظ وضع موجود یاری رسانده است، واقعیت موجود در ادارات دولتی حاکی از این است که بدنه اجرایی سال هاست فراتر از این ظرفیت ۱۰ درصدی از نیروی انسانی استفاده می کند اما سیرن بار حقوقی و تعهدات رفاهی آنها به شرکت های پیمانکار، موازنه قدرت را به نفع کارفرما سنگین کرده است. این رفتار دوگانه نشان می دهد که هر جا مطالبه کارگری برای تثبیت شغل به میان می آید، تفسیر سخت گیرانه از نص قانون در اولویت قرار می گیرد.

پایمدهای تداوم نگاه حسابدارانه به کارگر مولد

ارجاع مداوم پرونده ساماندهی کارگران به دالان های رفت و برگشت میان مجلس، مجمع تشخیص و کمیسیون های دولتی، پدیده ای تصادفی نیست. این روند فرسایشی، انگیزه نیروی کار را در هزارتوی بوروکراسی مستهلک می کند.

مانع تراشی نهادهای حکومتی برای تبدیل وضعیت کارگران شرکتی

مجلسی که هفت سال است وعده درمانی می کند!



۱۰ درصد از چارت سازمانی خود را به صورت قراردادی جذب کنند. در واقع، منظور این نبود که از میان صدها هزار کارگر شرکتی، قرار است گزینش کنیم و فقط ۱۰ درصدشان را تبدیل نگرش، جامعه را با طیف وسیعی از کارگران فاقد آینده شغلی و محروم از حقوق بنیادین صنفی روبه روی می کند.

– فرسایش سرمایه اجتماعی: تعویق بی حاصل مطالبات و تزلزل امنیت شغلی میلیون ها خانواده کارگری، موجب ریزش شدید اعتماد عمومی به وعده های عدالت طلبانه می شود.

آمارهای تازان روی میز بگذارید

این فعال صنفی با طرح یک مطالعه شفاف از بدنه دولت افزود: بحث اصلی این است که پیش از هر گونه مانع تراشی، سازمان اداری و استخدامی باید آمارها را روی میز بگذارد و شفاف سازی کند. امروز آمار دقیق نیروهای رسمی، قسرازدادی و شرکتی که مستقیم یا غیر مستقیم از خزانه دریافتی دارند، کاملاً مشخص است. دولت باید صراحتاً اعلام کند در حال حاضر ترکیب نیروی انسانی چطور است و آیا نیروهای قراردادی فعلی واقعاً همان سقف ۱۰ درصدی را پر کرده اند یا ظرفیت خالی وجود دارد؟

وی با اشاره به مشاهدات میدانی در دستگاه های دولتی تصریح کرد: با یک رصد ساده در ادارات مختلف، می بینیم که این آمار در عمل بسیار فراتر از سقف ۱۰ درصد است. به عنوان مثال، در مجموعه ای که خودم شاغل هستم، شاید نزدیک به ۸۰ درصد نیروها غیر رسمی و شرکتی باشند. سازمان امور استخدامی باید مشخص کند آیا برای تبدیل وضعیت این حجم عظیم از کارگران، اصلاً ظرفیتی در آن قانون ۱۰ درصدی باقی مانده است یا خیر؟ تا زمانی که این آمار شفاف نشود، هر حرف و اظهار نظری، فاقد وجهت کارشناسی است.

وقتی مجلس، مقصر اصلی است

رئانی با نگاهی واقع بینانه به موانع حقوقی پیش روی دولت و نقش کلیدی مجلس در باز کردن این گره کور، تأکید کرد: واقعیت این است

که مطالبه گری باید اصولی و بر پایه واقعیات باشد. نمی توان شعارگونه و روی هوا حرف زد. از منظر حقوقی و بوروکراتیک، ایرادی که دولت مطرح می کند بیره نیست. قانون در این زمینه سقف تعیین کرده و اگر دولت بخواهد بدون اصلاح قانون، نیروها را مستقیماً تبدیل وضعیت کند، قطعاً فردا روزی کسانی پیدای می شوند که با طرح دعوی در دیوان عدالت اداری، رأی ابطال این احکام را بگیرند و امنیت روانی صدها هزار خانواده را به هم بریزند.

وی با انتقاد از عملکرد قوه مقننه افزود: اما مقصر اصلی این وضعیت کیست؟ مسلماً مجلسی که هفت سال است تمام است کارگران را وعده درمانی می کند! اکنون تسوپ کاملأ در زمین مجلس است. نه دولت. مجلسی که داعیه دار پیگیری این لایحه بوده، باید ماده ۳۲ را اصلاح کند و این سقف محدود کننده را برآورد. می دانیم اصلاح قوانین زمان بر است اما آقایان نباید بسا پاس کاری های نمایشی، بیش از این وقت و عمر نیروی کار را تلف کنند.

فقط کارگران بار مالی دارند!

این نماینده کارگران ارکان ثالث نفت و گاز با انتقاد از بهانه های مالی و بر خورد های دو گانه گفت: دولت ادعا می کند اجرای طرح دو مانع دارد: منع حقوقی و عدم تأمین بار مالی. از یک سو نماینده

نتیجه گریز ناپذیر بخر خلف وعده ها و مستهلک کردن نیروی کار در دالان های بوروکراسی، چیزی جز انتاباست نار ضایعی نیست؛
نار ضایعی ای که در نهایت خودش را در قالب تجمعات صنفی و اعتصابات کارگری نشان خواهد داد. این، بازتاب مستقیم همین نگاه های حسابگرانه و بی توجهی به ارزش کارگر است.

مجلس می گوید اجرای طرح ۱۶ هزار میلیارد تومان (همت) منابع می خواهد که در بودجه می گنجانیم و از سوی دیگر سسازمان امور استخدامی رقم ۲۳ همت را مطرح می کند. پرسش اساسی و در دناک ما کارگران این است که وقتی فلان بانک با ۵۰۰ همت کسری بودجه و ورشکستگی مواجه شد، چطور در یک شبه تصمیم غائله را جمع کردند؟ چطور برای پوشش دادن افتضاح ۵۰۰ همتی یک بانک، هیچ کس نگران بار مالی نشد؟ اما همین که پای تأمین ۱۶ یا ۲۳ همت بودجه برای امنیت شغلی و معیشت صدها هزار انسان مولد وسط می آید، ناگهان همه نگران تورم می شوند و واژه بار مالی مثل پتک بر سر کارگر فرود می آید؟

وی برای اثبات وجود راه حل های موزی، به تجربیات سالیان گذشته اشاره کرد و یادآور شد: مگر در زمان دولت های گذشته همین قانون مدیریت خدمات کشوری و همین ماده ۳۲ وجود نداشت؟ چطور در آن مقطع بدون دلالت آنکه این سقف قانونی مانعی ایجاد کند، صرفاً به دلیل وجود عزم و اراده، بخش عمده ای از همکاران قرارداد مستقیم شدند و هیچ نهادی هم ایراد قانونی نگرفت؟ نمونه بسیار نزدیک تر آن، تبدیل وضعیت نیروهای محترم ایثارگر است. آنها با یک مصوبه، مستقیماً از وضعیت شرکتی به رسمی قطعی تبدیل شدند. آیا آن زمان کسی دغدغه بار مالی داشت؟ کسی از ماده ۳۲ حرفی زد؟ این در حالی ست که خواسته امروز ما حتی استخدام رسمی هم نیست. ماصرفاً خواستار کوتاه شدن دست دلالتان نیروی انسانی و تبدیل وضعیت به قرارداد مستقیم با دولت هستیم. واقعیت این است که وقتی اراده ای نباشد، هزاران بهانه حقوقی می تراشند.

مستولان از وضعیت جامعه کاملاً بی خبرند

رئانی در بخش پایانی سخنان خود، صراحتاً نسبت به تبعات روانی و اجتماعی این کارشکنی ها هشدار داد و گفت: از مسئولین دعوت می کنم برای چند دقیقه به شبکه های اجتماعی سری بزنند و فقط چند کامنت از نیروهای شرکتی را بخوانند تا ببینند نیروی کار امروز تا چه حد عصی، فرسوده و سرخورده شده است. کارگران کاملاً آگاهند و می دانند که این وعده ها صرفاً مقصدی دارند. رویه طوری شده که در زمان نیاز، مثلاً در شرایط خاص یا در برهه انتخابات، به میان کارگران می آیند و می گویند دستور دادیم و پیمانکاران حذف می شوند اما به محض اینکه اوضاع عادی می شود، دوباره چهار مانع جدید می تراشند و همه چیز به وی در پایان تأکید کرد: وقتی هفت سال یک مطالعه حیاتی را مانند استخوانی لای زخم نگه می دارید، اعتماد عمومی را نابود می کنید. نیروی کاری که امروز در کارگاه حاضر می شود، دیگر انگیزه و بهیسه روی ندارد. باید سد بدانند که نتیجه گریز ناپذیر این خلف وعده ها و مستهلک کردن نیروی کار در دالان های بوروکراسی، چیزی جز انتاباست نار ضایعی نیست؛ نار ضایعی ای که در نهایت خودش را در قالب تجمعات صنفی و اعتصابات کارگری نشان خواهد داد. این، بازتاب مستقیم همین نگاه های حسابگرانه و بی توجهی به ارزش کارگر است.

اساسی افزایش چشمگیری داشته اما افزایش حقوق سالیانه به میزان ۲۰ درصد و پرداخت مبلغی بسیار محدود تحت عنوان «فوق العاده خاص». از نگاه بازنشتگان، نه تنها پاسخگوی هزینه های روز افزون زندگی نیست، بلکه شکاف میان درآمد و مخارج خانوارها را عمیق تر کرده است.

رهبر افزود: در چنین شرایطی، انتظار از دولت و مجلس این است که با درک واقعیت های اقتصادی جامعه، تصمیماتی متناسب با نرخ تورم و شرایط معیشتی مردم اتخاذ کنند. وی بیان کرد: بازنشتگان نیروهای مسلح به علت حضور در جنگ تحمیلی دچار آسیب های جسمانی و روحی هستند و خود همین باعث می شود کمتر بتوانند به دنبال شغل دوم بروند. ضمن اینکه سوال مهم این است که اصلاً چرا یک بازنشته باید به سراغ شغل دوم برود؟ بازنشتگان نیروهای مسلح می پرسند که آیا مسئولان افزایش قیمت ها را همان گونه که مردم در سفره های خود لمس می کنند، مشاهده می کنند؟



سابق این واحد صنعتی هستند و تأکید کردند: تأمین حداقل نیازهای ضروری زندگی، برای بسیاری از کارگران دشوار شده است.

عضو کانون عالی بازنشتگان تأمین اجتماعی: افزایش ۲۰ درصدی حقوق بازنشتگان تأمین اجتماعی حقیقت ندارد

و ما از حقوق قانونی بازنشتگان عقب نخواهیم نشست. ادعاها درباره جلسه مذکور نیز صحیح نیست. امیدواریم دولت نیز هر چه سریع تر افزایش حقوق قانونی ما بازنشتگان کارگری را اعمال کند. پنجگی ادامه داد: حقوق بازنشتگان تأمین اجتماعی به اندازه مصوبات شورای عالی کار یعنی همان ۶۰ درصد و ۴۰ درصد افزایش خواهد یافت. امیدواریم این افزایش در خرداد اعمال شود.

بازنشتگان تأمین اجتماعی با اشاره به شایعات مطرح شده اظهار کرد: ما روز یکشنبه دیداری با «سالاری» مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی در ارتباط با همین موضوعات یعنی اعمال افزایش حقوق و درج در احکام و بحث متناسب سازی داریم که البته امیدواریم قانون در ارتباط با ما اجرا شود. وی افزود: شایعات مطرح شده در ارتباط با رقم افزایش و افزایش ۲۰ درصدی کذب است

گمانه زنی ها درباره افزایش ۲۰ درصدی حقوق بازنشتگان تأمین اجتماعی تکذیب شد. به گزارش ایلنا، پس از انتشار شایعاتی مبنی بر جلسه احتمالی نمایندگان بازنشتگان تأمین اجتماعی با «حمدرضا عارف» معاون اول رئیس جمهور، برخی رسانه ها از احتمال افزایش ۲۰ درصدی مستمری بگیران کارگری نوشتند. «پرویز احمدی پنجکی» عضو هیات مدیره کانون عالی

یک فعال صنفی بازنشتگان لشگری:

فوق العاده خاص هنوز پرداخت نشده است

یک فعال صندوق بازنشتگی لشگری گفت: خرداد از نیمه گذشت اما پیگیری ها نشان می دهد این ماه هم خبری از پرداخت مابه التفاوت فوق العاده خاص بازنشتگان نیروهای مسلح نیست.

امیر رهبر به ایلنا گفت: درست است که این مبلغ ۰۰۰ هزار تومان است و دو ماه معوقه رقم چندانی نمی شود اما ببینید چه به روز بازنشتگان آوردید که پیگیری همین مبلغ هستند!؟

وی ادامه داد: در حالی که موج افزایش قیمت ها و گرانی، معیشت میلیون ها بازنشته را

گزارش

گزارش

ادامه سرگردانی کارگران اخراجی «فولاد پارس سیستان»

شعبه تأمین اجتماعی شهر محل اقامت خود مراجعه کردیم به ما گفته شد در زمان تسویه حساب، وضعیت ما را به صورت تعلیقی ثبت کردند، در نتیجه مقرری بیمه بیکاری هم به ما تعلق نمی گیرد.

مسئولان کارخانه، در پاسخ به مراجعات کارگران، علت تعدیل نیروی کار و فراهم نشدن امکان بازگشت نیروها را کمبود ورق فولاد عنوان کرده اند و اعلام داشته اند که با بهبود شرایط و تأمین مواد اولیه و ثبات در تولید فولاد، کارگران تبدیلی را به کار بازمی گردانند.

کارگران در پایان با اشاره به افزایش هزینه های زندگی، عنوان کردند: انتظار داشتیم با اعمال افزایش ۶۰ درصدی حقوق، بخشی از فشار معیشتی جبران شود اما در شرایط فعلی با تعدیل و بیکاری مواجه شده ایم.

آنها خواستار رسیدگی فوری مسئولان ذی ربط نسبت به وضعیت بلا تکلیف شاغلان

